

Legal Analysis of Polluted Fuels from the Perspective of International Human Rights Law

1. Setareh Haghjo: PhD Student, Department of Public International Law, Is.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Zeinab Pourkhaghan Shahrezaee*: Assistant Professor, Department of Public International Law, Is.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: Porkhaghan@gmail.com (Corresponding Author)

ABSTRACT

Air pollution at the local, national, and international levels causes significant harm to both the human and natural environment. Today, environmental protection has become such a prominent moral and social value that it necessitates criminal protection. In this context, the insufficiency of civil liability guarantees and the inadequacy of administrative legal measures have reinforced the need for stronger legal mechanisms. However, criminal law interventions aimed at environmental protection require careful consideration of specific principles, without which the success of such legal protections cannot be assured. Civil rights are privileges granted to a country's citizens within its borders, but environmental civil rights cannot be confined by borders, as the environment transcends national boundaries. From this perspective, particular attention must be paid to the principles and foundations of human rights, which also encompass civil rights. Accordingly, the perpetrator of an act causing pollution is regarded as a violator of both environmental human rights and civil rights. This article examines the issue of polluted fuels as one of the contributing factors to environmental pollution, analyzing it from the standpoint of international law, international legal practices, and relevant judicial rulings.

Keywords: *Human Rights, Fuel Pollution, International Law, Court, Jurisprudence*

How to cite: Haghjo, S., & Pourkhaghan Shahrezaee, Z. (2025). Legal Analysis of Polluted Fuels from the Perspective of International Human Rights Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(2), 268-282.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 December 2024
Revise Date: 10 January 2025
Accept Date: 29 January 2025
Publish Date: 31 July 2025



بررسی حقوقی سوخت‌های آلوده از منظر حقوق بشر بین‌المللی

۱. ستاره حق‌جو: دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
۲. زینب پورخاقان شاهرضایی*: استادیار، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. پست الکترونیک: Porkhaghan@gmail.com (نویسنده مسئول)

چکیده

آلودگی‌های هوا در سه سطح داخلی، ملی و بین‌المللی، آثار زیانباری بر محیط زیست انسانی و طبیعی بر جای می‌گذارند. امروزه محیط زیست و حفاظت از آن، آنچنان به ارزش اخلاقی و اجتماعی تبدیل شده است که حمایت کیفری از آن ضروری می‌نماید. در این راستا ضعف ضمانت‌های حقوق مسئولیت مدنی و عدم کفایت تدابیر حقوق اداری، راتقویت می‌کنند. با این حال اقدامات حقوق کیفری برای حمایت از محیط زیست مستلزم ملاحظه بایسته‌هایی است که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان به توفیق این حقوق امید بست. حقوق شهروندی یک امتیاز است که به اتباع کشور در محدوده مرزها داده می‌شود، ولی حقوق شهروندی از دیدگاه محیط زیست را نمی‌توان محدود به مرز نمود؛ زیرا محیط زیست مرزها را درمی‌نوردد. از این منظر، باید به اصول و مبانی حقوق بشر توجه خاص معطوف داشت که حقوق شهروندی را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس، فاعل فعل آلوده کننده را ناقض حقوق زیست محیطی بشر و شهروندی می‌نامند. در این مقاله به بررسی موضوع سوخت‌های آلوده به عنوان یکی از عوامل آلاینده محیط زیست می‌پردازیم و آن را از منظر حقوق بین‌الملل و رویه‌های بین‌المللی و آرای صادره مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، آلودگی سوختی، حقوق بین‌الملل، دیوان، رویه.

نحوه استناددهی: حق‌جو، ستاره، و پورخاقان شاهرضایی، زینب. (۱۴۰۴). بررسی حقوقی سوخت‌های آلوده از منظر حقوق بشر بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۲۶۸-۲۸۲، (۲)، ۲۶۸.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۰۳ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۱ دی ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۹ مرداد ۱۴۰۴

مقدمه

با شکل‌گیری برخی حساسیت‌ها نسبت به این موضوع که سلامت عمومی و محیط زیست به واسطه این مشکل در خطر است، قوانین و مقررات مختلفی برای مقابله با آن توسط دولت‌ها به تصویب رسید. این جریان از کشورهای آغاز شد که این آلودگی شدت بیشتری به خود گرفته بودند و عواقب آن را به عینه لمس نموده بودند. کم‌کم در اکثر کشورها قوانین و مقررات و نظامات گوناگونی برای کنترل و مقابله با این آلودگی به تصویب رسید و در کنار آن نهادها و ارگان‌های اجرایی خاص و ویژه‌ای نیز برای مقابله با این پدیده و تضمین اجرای قوانین تاسیس گردید و روز به روز با افزایش این قسم از آلودگی و جهانی شدن آن لزوم پاسخگویی به این پدیده بیش از پیش احساس گردید. امروزه این معضل به عنوان یکی از مباحث بحث برانگیز جامعه بین‌الملل مطرح گردیده و نشست‌های مختلفی از دیدگاه‌های متفاوت در مورد آن برگزار گردید.

سوخت‌های آلوده

هرگونه تغییر فیزیکی، بیولوژیکی یا شیمیایی در هوا که موجب بهم خوردن ترکیب درصد عناصر موجود در هوا گردد، به عنوان آلودگی نامیده می‌شود. عوامل اصلی آلودگی هوا متفاوت است و این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که گازهای مضر، گرد و غبار، دود و ... وارد جو شود. این قضیه باعث می‌شود که زندگی گیاهان، حیوانات و انسان‌ها به دلیل کثیف شدن هوا با مشکلات متعددی روبرو شود. عمده دلیل آلودگی هوا، وجود سوخت‌هایی مانند سوخت‌های فسیلی است که موجب آلودگی هوای قابل مشاهده و آلودگی هوای نامرئی یا غیر قابل مشاهده می‌گردد و موجب اختلال در تنفس موجودات زنده می‌شود.

به طور کلی، آلاینده‌های اصلی هوا می‌توانند توسط منابع اولیه یا منابع ثانویه به وجود بیایند. آلاینده‌هایی که نتیجه مستقیم این فرآیند هستند، می‌توانند آلوده‌کننده‌های اولیه باشند. یک مثال واضح از یک آلاینده اصلی، دی اکسید گوگرد تولید شده از کارخانه‌ها است. این آلاینده، به عنوان آلاینده ثانویه محسوب می‌شود که به واسطه آمیختگی و واکنش آلاینده‌های اولیه ایجاد می‌شوند. دود ایجاد شده توسط ترکیب چندین آلاینده اصلی به عنوان آلاینده‌های ثانویه شناخته شده است. عوامل اصلی آلودگی هوا شامل سوزاندن سوخت‌های فسیلی، فعالیت‌های کشاورزی، گازهای خروجی کارخانجات و صنایع، عملیات معدن و آلودگی هوای درون محیط‌های بسته می‌باشد (Davoodnejad, 2017).

بررسی موضوع هوای آلوده از منظر حقوقی

بعضی از اسناد بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی بسیاری از کشورها، آلودگی هوا را تعریف کرده‌اند. شاید بتوان اولین تعریف بین‌المللی از آلودگی هوا را در عهدنامه راجع به آلودگی هوای برون مرزی دوربرد مشاهده کرد که بیان می‌کند: «آلودگی هوا به معنای ورود مستقیم یا غیرمستقیم مواد یا انرژی به هوا توسط انسان است که منجر به پیامدهای زیان‌باری می‌شود که سلامت انسان را به خطر می‌اندازد، به منابع زنده و زیست بوم‌ها و اموال مادی آسیب می‌زند و به امکانات یا دیگر استفاده‌های قانونی از محیط زیست آسیب زده یا در آن اختلال ایجاد می‌کند» (Convention on Long-range Transboundary Air Pollution, 2016). قانونگذار ایران در ماده ۲ «قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» مصوب ۱۳۷۴ بیان می‌کند: «منظور از آلودگی هوا عبارتست از وجود و پخش یک یا چند آلوده‌کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشعات پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد».

حقوقدانان و صاحب‌نظران محیط زیست نیز آلودگی محیط زیست به طور عام و آلودگی هوا به طور خاص را تعریف کرده‌اند. شاید بتوان اظهارات جرجانی، دانشمند ایرانی قرون پنجم و ششم هجری را اولین تعریف علمی از آلودگی هوا دانست (Abbasi & Sudmandi, 2016).

مفهوم خسارت زیست محیطی از دیدگاه حقوق‌دانان

واژه «خسارت زیست محیطی»^۱ اولین بار توسط یکی از حقوق‌دانان فرانسه به کار گرفته شد که بیشتر به خسارت‌های با واسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشت. یکی از نویسندگان، خسارت زیست محیطی را چنین تعریف می‌کند: «خسارت زیست محیطی عبارت است از خسارتی که به اشخاص و یا اشیاء محیط پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود». بنابراین تعریف، محیط زیست، منبع خسارت است نه قربانی خسارت. در واقع، به نظر می‌رسد این تعریف از نظریه «مزاحمت به حقوق همسایه»^۲ الهام گرفته زیرا براساس آن نظریه، محیط زیست منبع خسارت است و قربانی آن به شمار نمی‌رود (Priour, 1996)؛ در مقابل، برخی از حقوق‌دانان خسارت به اشیاء و پدیده‌های زیست محیطی را در تعریف خسارت زیست محیطی می‌آورند و آلودگی آب، هوا یا خاک را نیز داخل در این تعریف دانسته‌اند؛ هر چند که آثار غیرمستقیم این خسارت‌ها به انسان‌ها بر می‌گردد. بنابراین، در تعریف آن چنین آورده شده است که خسارت زیست محیطی عبارت است از: «خسارتی که به طور مستقیم به محیط پیرامون وارد می‌شود؛ بدون توجه به بازتاب‌هایی که این خسارت‌ها بر اشیاء و اموال دارد». برخی از حقوق‌دانان، خسارت‌های زیست محیطی را شامل خسارت‌های وارده به اموال و اشخاص و خسارت به خود محیط زیست می‌دانند که در اثر آن تعادل زیست محیطی بر هم می‌خورد. بنابراین، متولیان و استفاده‌کنندگان عناصر زیست محیطی، قربانیان خسارت‌های اکولوژیک محسوب می‌شوند و لذا می‌توانند طرح دعوا کرده و جبران خسارت را مطالبه کنند. زیرا هر نوع آلودگی به معنای نقض حقوق موضوعه انسان‌ها تلقی می‌شود و نوعی تقصیر است (Carbonnier, 1978).

بنابراین، از دیدگاه دستورالعمل، خسارت‌های جسمانی و خسارت وارد بر اموال قابل مطالبه نیست و در این خصوص قواعد مسئولیت مدنی داخلی کشورها اعمال خواهد شد. برای نمونه در لایحه قانون مسئولیت زیست محیطی فرانسه، مقرر شده است که: «مقررات جدید تأثیری بر حقوق قربانیانی که خسارت شخصی به آن‌ها وارد می‌شوند نداشته و آن‌ها می‌توانند بر مبنای نظام مسئولیت موجود چنین خسارتی را مطالبه کنند»^۳.

حق بشر بر استفاده از هوای پاک

امروزه برخورداری از یک محیط زیست سالم و عاری از آلودگی برای شهروندان، جزئی از حقوق بشر محسوب می‌شود و در اسناد بین‌المللی و داخلی مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق اصل نخست اعلامیه استکهلم، «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی و برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار است». لذا بر این اساس حق برخورداری از هوای سالم و پاک و عاری از آلودگی برای شهروندان و تضمین آن در راستای «حق بر محیط زیست سالم» جزء حقوق اولیه هر شهروند می‌باشد. حق شهروندی یک امتیاز برای بهره‌مندی از امکانات موجود در جامعه می‌باشد و حقی است که از سوی جامعه سیاسی اعم از شهری، ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی به انسان داده می‌شود. اگر بپذیریم که گفتمان غالب در کشورهای در حال از جمله ایران، گفتمان «حقوق» است،

¹Environmental damage

²Trouble de voisinage

³Project de loi relatif a la responsabilite environnementale, 25 mai 2007 , at: <http://www.legifrance.gouv.fr/1>.

حقوق شهروندی از یک سو یکی از مهمترین موضوعاتی است که به وسیله حقوق تبیین می‌گردد و از سوی دیگر در قلمرو محیط زیست نیز به عنوان یکی از مسایل نوین مطرح می‌شود. بنابراین درک مفهوم واقعی شهروندی و آشنایی با حقوق و تکالیفی که این مفهوم بر فرد بار می‌کند، برای همه افراد جامعه از اهمیتی محوری برخوردار است (Delfrooz, 2002).

به طور کلی، رویکردهای حقوق بشری برای تأمین هوای پاک را می‌توان به صورت زیر بیان نمود. در ابتدا لازم به یادآوری است که اصولاً حقی با عنوان «حق بر هوای پاک» نه در قوانین و مقررات داخلی کشورها و نه در اسناد بین‌المللی وجود ندارد، اما با توجه به این که هوا یکی از اجزای سازنده محیط زیست است، می‌توان «حق بر هوای پاک» را جزئی از «حق بر محیط زیست» در نظر گرفت. همچنین باید یادآور شد که غیر از استفاده از ابزار حقوق بشری «حق بر محیط زیست»، برای مبارزه با آلودگی هوا، شیوه‌های دیگری نیز برای دستیابی به این هدف وجود دارد. شیوه اول، راهبرد طرفداران محیط زیست است که بیشتر با استفاده از ابزارهای سیاسی همچون مبارزه علنی و تحریک افکار عمومی و نهایتاً استفاده از قوانین و مقررات داخلی سعی در حفاظت از محیط زیست دارند (Habibi, 2003).

در مجموع، استناد به اسناد بین‌المللی حقوق بشر برای تأمین هوای پاک در چارچوب دو رویکرد انجام می‌شود: (۱) حق بر هوای پاک به عنوان یک حق بشری مستقل؛ (۲) حق بر هوای پاک به عنوان یک حق مشتق از سایر حقوق بشر.

حق بر هوای پاک به عنوان یک حق بشری مستقل

با نگاهی به اسناد الزام‌آور بین‌المللی حقوق بشر به درستی می‌توان این ادعا را تأیید کرد که «تاکنون ایجاد جابجایی مستقل برای حق بشری نسبت به هوای پاک، پیشرفتی ناچیز داشته است». این موضوع حتی در مورد بعضی از اسناد غیرالزام‌آور نیز صادق است. به عنوان مثال، به رغم این که اصولاً اعلامیه استکهلم را اولین سند بین‌المللی متضمن حق بر محیط زیست می‌دانند، اما «ممکن است استدلال شود که اعلامیه استکهلم متضمن حق بشری نسبت به کیفیت محیط زیست به عنوان یک حق مستقل نیست». از این رو، اصل شماره یک اعلامیه مورد انتقاد قرار گرفته به عنوان تجسم یک حق بشری زیست محیطی مضیق که از حق حیات نشأت می‌گیرد، است.

حق بر هوای پاک به عنوان یک حق مشتق از سایر حقوق بشر

برعکس رویکرد اول که در اسناد بسیار معدودی پذیرفته شده و کمتر مورد استقبال قرار گرفته، رویکرد دوم مبنی بر ملاحظه حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بشری نشأت گرفته از حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری، بسیار رواج یافته است. در این شیوه که با نام «زیست محیطی کردن»^۱ حقوق بشر شناخته می‌شود، سعی بر این است که از حقوق بشر موجود، تفسیری زیست محیطی ارائه شود.

با مرور رویه قضایی بین‌المللی می‌توان گفت حق‌های بشری که از آن‌ها تفسیر زیست محیطی ارائه می‌شود، شامل طیف وسیعی از حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری است. از این رو برنامه محیط زیست سازمان ملل بیان می‌کند: «رویه قضایی بین‌المللی بیانگر پیوندهای میان محیط زیست طبیعی و انواع مختلف حقوق بشر است. مراقبت و محافظت از محیط زیست با حقوق شکلی و ماهوی، حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق مثبت و منفی، حقوق فردی، حقوق جمعی و حقوق مرتبط با کل بشریت و حقوق نسل‌های حال و آینده پیوند دارد»^۲ (Abbasi & Sudmandi, 2016).

روش‌های جبران خسارت ناشی از آلودگی

¹ Greening

² Center for International Environmental Law, UNEP Compendium on Human Rights and the Environment. Available at: <http://www.unep.org/environmentalgovernance>. Accessed July 1, 2016.

طرق و نحوه جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا نیز از روش‌های کلی جبران خسارات در حوزه حقوق مسئولیت مدنی تبعیت می‌کند (Katouzian, 2004). با این حال با توجه به ویژگی‌های خاص خسارات ناشی از آلودگی هوا برخی از روش‌های جبران و الزامات ناشی از آن‌ها به عنوان ضمانت حقوقی اهمیت داشته و مسائل حقوقی ویژه خود را دارند که در ذیل بحث می‌گردد.

اعاده وضع به حالت سابق

در قلمرو حقوق محیط زیست، اعاده وضع به حالت سابق، بهترین و مناسب‌ترین روش جبران خسارت است. اما امکان این امر در خصوص آلودگی هوا همواره امکان‌پذیر نیست. به موجب ماده ۹-۱۶۲ کد محیط زیست فرانسه (اصلاحی ۲۰۰۸) تدابیر جبرانی برای خسارات وارده که آب‌ها و گونه‌ها و سکونتگاه‌های مورد اشاره در شماره‌ی ۲ و ۳-الف ماده ۱-۱۶۱، با هدف اعاده‌ی وضع به حالت اولیه، منافع اکولوژیکی آن‌ها ناظر به وضعیت اولیه منابع طبیعی و منافع اکولوژیکی آن‌ها در زمان ورود خسارت است، که در فرض عدم ورود خسارت وجود داشت، با کمک بهترین اطلاعات در دسترس برآورد می‌شود. جبران اولیه خسارات^۱ ناظر به کلیه اقداماتی است که منابع طبیعی و خدمات مورد اشاره در خط نخست را به حالت اولیه یا نزدیک به حالت اولیه اعاده می‌نماید. امکان جبران از طریق احیاء طبیعی نیز باید مد نظر قرار گیرد. در صورتی که جبران اولیه خسارات برای اعاده وضع به حالت نخستین یا نزدیک به چنان حالتی میسر نگردد، اقدامات مربوط به جبران تکمیلی خسارات به منظور تأمین سطحی از منابع طبیعی یا خدماتی که برای آن تدارک دیده شده به اجرا در می‌آید. این اقدام می‌تواند در سایر مواردی که منافع مردم مرتبط با خسارت است به اجرا درآید. در شکل ضمانت حقوقی در قالب سه دسته ضمانت مدنی، کیفری و اداری در قوانین پیش‌بینی شده و بر شخص مسئول آلودگی تحمیل می‌گردد. بنابراین قاضی دادگاه مدنی می‌تواند به صورتی کاملاً آزاد، ضمانت اعاده وضع به حالت سابق را به عنوان یکی از طرق جبران خسارات ناشی از آلودگی هوا برگزیند. آزاد به این معنا که برخلاف مواردی که اعاده وضع به حالت سابق معمولاً به عنوان یک ضمانت کیفری در قوانین جزایی پیش‌بینی می‌شود. این امر در قوانین مدنی به صراحت پیش‌بینی نشده و از اصول کلی حاکم بر نحوه جبران خسارات می‌باشد.

از بین بردن منبع ضرر

از بین بردن منبع ضرر، بخشی از تدابیر پیشگیرانه است که امروزه در پرتو اصل مشهور «احتیاطی» مورد توجه نظام حقوقی فرانسه قرار گرفته^۲ و از نوآوری‌های لایحه ۲۰۰۵ مسئولیت مدنی فرانسه به شمار می‌رود (Ansari & Katouzian, 2007). گاهی از بین بردن منبع ضرر و توقف و یا جلوگیری از فعالیت‌های آلوده‌ساز می‌تواند بعنوان یک روش پیشگیرانه اتخاذ گردد. به موجب ماده ۳-۱۶۲ کد محیط زیست فرانسه، در مواردی که خطر قریب‌الوقوع خسارات وجود دارد، متصدی بدون فوت وقت و به هزینه خود، تدابیر پیشگیرانه‌ای^۳ را به منظور جلوگیری^۴ یا محدود کردن اثرات آن اتخاذ خواهد نمود^۵. در صورت باقی بودن خطر، بهره‌بردار بدون فوت وقت، محتوا و نتیجه اقدامات پیشگیرانه اتخاذی

1 La reparation primaire

^۱ به موجب این اصل در مواردی که با توجه به شناخته‌های علمی زمان امکان بروز خسارات غیر قطعی وجود داشته باشد و ممکن است اثر نامطلوب بر محیط زیست بگذارد، مقامات عمومی با اعمال اصل احتیاطی و در حوزه صلاحیت خود بر این امر نظارت نموده و آیین‌هایی را جهت ارزیابی خسارات اتخاذ نموده و اقدامات مناسب و موقتی به منظور جلوگیری از وقوع خسارت تدارک خواهند دید. (ماده ۵ منشور اساسی محیط زیست فرانسه مصوب ۲۰۰۵).

3 Mesures de prevention

4 Empêcher

^۵ ماده ۱۰ قانون اوت ۲۰۰۸ همچنین مقرر می‌دارد که به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در املاک خصوصی، متصدی باید مقدماً اجازه مکتوبی را از مالکان، صاحبان واقعی حقوق و دارندگان حق و یا در موارد مقتضی از دارندگان حق انتفاع تحصیل نماید. همچنین می‌تواند در موارد مقتضی با این افراد قرارداد پیشگیرانه (آبنده‌نگرانه)

را به اطلاع مقامات پیش‌بینی شده در شماره ۲ ماده‌ی ۱۶۵-۲ خواهد رساند. این موضوع در زمینه آلودگی هوا می‌تواند شامل اقداماتی نظیر تعطیل، تخریب و انتقال اماکن آلاینده، اصلاح سیستم‌های تهویه و پخش آلاینده‌ها و... گردد (Cory & Annika, 2015).

جبران نقدی خسارت

در اغلب موارد بدلیل شکل و ماهیت خسارت وارده امکان جبران خسارات عینی آلودگی هوا وجود ندارد و امروزه شایع‌ترین روش جبران خسارات، جبران نقدی آنهاست که از طریق پرداخت مبلغی از ناحیه شخص مسئول آلودگی به شخص زیان‌دیده صورت می‌گیرد. اصولاً پرداخت خسارات نقدی ناشی از امکان تقویم آن به پول است. همین امر باعث شده است که در خصوص مبانی، رژیم حقوقی و نحوه تقویم و ارزیابی خسارات در حوزه محیط زیست و خسارات ناشی از آلودگی اختلافات و بحث‌های گوناگونی مطرح شود (Turner, 1995). همین مساله در خصوص خسارات ناشی از آلودگی هوا به دلیل ویژگی‌های خاص خسارات از جمله عمومی بودن کالای زیست محیطی، عدم ورود در بازار و غیرمستقیم بودن خسارات، با شدت بیشتری مطرح است. با این حال برخی از اقتصاددانان با ارائه مدل‌های مختلف سعی در تخمین میزان خسارات آلودگی هوا جهت جبران موقتی خسارات نموده‌اند (Khoshakhlagh & Hassan Shahi, 2002).

ض ۱-۱ تعهد به عدم آلودگی

امروزه با گسترش تخریب محیط زیست و توجه ویژه دولت‌ها به حفاظت از آن قیود و شروط مربوط به رعایت اصول زیست محیطی در برخی از قراردادهای عمده و قراردادهایی که در آنها احتمال تخریب محیط زیست و آلودگی هوا می‌رود گنجانده می‌شود و با عنوان «تعهدات زیست محیطی» طرف قرارداد شناخته می‌شوند. در قراردادهای «بی.او.تی.» (ساخت، بهره‌برداری و واگذاری) که در ایران در وزارتخانه‌های نفت، نیرو و وزارت راه و ترابری رایج می‌باشد، شروط زیست محیطی و لزوم رعایت آن‌ها از جمله تعهدات کنسرسیوم است و شروط مربوط به حفظ محیط زیست از شروط رایج این قراردادها بوده که مطابق آن کنسرسیوم موظف به رعایت اصول محیط زیست می‌باشند و در صورتی که از عمل وی به محیط زیست، اشخاص و اموال، خسارت زیست محیطی وارد گردد، مکلف به جبران خسارات وارده به اشخاص و اموال می‌شود و تخلف گسترده این تعهدات می‌تواند یکی از دلایل فسخ قرارداد محسوب شود (Shiroudi, 2005). علاوه بر این، تعهدات مربوط به رعایت شرایط و ضوابط زیست محیطی از جمله عدم ایجاد آلودگی در مواد ۲۷-۴۱۱ کد روستایی نسبت به مستأجرانی که از زمین بهره‌برداری می‌نمایند، پیش‌بینی شده است. همچنین، در قراردادهای اکتشاف نفت در سواحل و در خشکی نیز یکی از مواردی که به مثابه یک تعهد زیست محیطی بر پیمانکاران بار می‌شود، عدم ایجاد آلودگی‌های آب، هوا و خاک و دفع پسماندها است.

مسئولیت مدنی در قبال محیط زیست پاک

منظور از ماهیت مسئولیت این است که آیا نظام مسئولیت ناشی از خسارات‌های زیست محیطی تابع قواعد مسئولیت در حقوق عمومی است یا از نظام مسئولیت مدنی سنتی پیروی می‌کند. قواعد مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی با قواعد مسئولیت در حقوق عمومی از دو لحاظ اساسی متفاوت هستند:

- نخست در اهدافی است که هر یک از شاخه‌های مزبور دنبال می‌کنند: هدف قواعد مسئولیت در حقوق عمومی حمایت از منافع جامعه و حقوق عمومی است (Katouzian, 2004). در حالی که در حقوق خصوصی، هدف جبران خسارات‌های وارده به اشخاص و یا اموال

با محتوای اخذ اجازه یا تأدیه خسارت به دلیل اسکان در آنجا انعقاد نماید. در صورت فقدان توافق مناسب یا در مواقع اضطراری، اجازه ممکن است توسط رئیس دادگاه شهرستان یا قاضی منتخب توسط وی ارائه گردد.

خصوصی است. همچنین این دو رشته حقوقی از لحاظ طرز کار و روش با هم متفاوت هستند. برای نمونه از نظر قلمرو مسئولیت، تعریف مسئول و عوامل توجیه کننده مسئولیت با هم برابر نیستند (Pourhashemi & Mousavi, 2011).

در کشورهایی که قواعد سنتی مسئولیت (در حقوق خصوصی) برای جبران خسارت‌های زیست محیطی مورد استناد قرار می‌گیرد، موارد اعمال مسئولیت محض منحصر به فعالیت‌هایی است که فهرست آن‌ها توسط قانون‌گذار مشخص می‌شود (قانون مسئولیت زیست محیطی آلمان ۱۹۹۰ و قانون جبران خسارت زیست محیطی دانمارک ۱۹۹۴). با وجود این، در برخی کشورها مسئولیت محض برای خسارت زیست محیطی نسبت به هر نوع فعالیتی اعمال می‌شود و اعمال آن محدود به فعالیت‌های خاصی نیست (قانون جبران خسارت زیست محیطی ۱۹۸۶ سوئد)؛ در حالی که در نظام مسئولیت زیست محیطی بر مبنای حقوق عمومی، قلمرو مسئولیت محض به فعالیت‌های خاصی محدود نمی‌شود و ماهیت و نوع فعالیت هم در آن بی‌تأثیر است.

از نظر مبنای مسئولیت نیز دو نظام حقوقی با هم تفاوت دارند. در حقوق عمومی علی‌الاصول مبنای مسئولیت، محض است در حالی که طبق قواعد حقوق مدنی در بسیاری از کشورها، تقصیر و یا ترکیبی از دو مسئولیت به عنوان مبنا پذیرفته شده است و رویه قضایی در توجیه مسئولیت محض با سختی مواجه است. تفاوت دیگر دو نظام مسئولیت به مفهوم خسارت بر می‌گردد.

در قواعد مسئولیت مدنی، خسارت، مفهوم خاصی دارد و ناظر به ضرر به اموال و حقوق خصوصی اشخاص است و در مورد قابلیت مطالبه خسارت‌های زیست محیطی با استناد به قواعد مسئولیت مدنی سنتی تردید فراوان وجود دارد (مانند قانون مسئولیت مدنی ایران، قانون مدنی آلمان، قانون مسئولیت مدنی فرانسه و...); مگر این که از حق بر محیط زیست سالم و پاکیزه به عنوان یک حق بنیادین یاد شود و هر نوع خسارت بر آن به معنای لطمه بر حق امنیت انسان‌ها تلقی شود (Flour et al., 2003).

در این خصوص برخی از حقوق‌دانان خسارت زیست محیطی را خسارت به شخص یا جامعه افراد ندانسته‌اند؛ بلکه جهان طبیعی را به عنوان «دارائی مشترک ملت‌ها» دانسته و محیط زیست را به مال و شیء تشبیه نموده‌اند که استفاده از آن متعلق به جامعه است (وینی، ۲۰۰۱: ۱۰۹). همچنین از تعریف و تقسیم انواع «ضرر» توسط اساتید حقوق مدنی ایران چنین بر می‌آید که در حقوق ایران به دشواری می‌توان به استناد قانون مسئولیت مدنی خسارت‌های زیست محیطی را مطالبه کرد و برای مطالبه خسارت‌های مزبور باید به قوانین خاص حفاظت از محیط زیست رجوع کرد (Katouzian, 1999).

مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی

مسئولیت مدنی ناشی از تجاوز به محیط زیست از جمله بکار بردن سوخت‌های آلوده که موجب آلودگی هوا، آب و خاک می‌گردد، در تاریخ حقوق اتحادیه اروپا پیشینه‌ای طولانی و جنجال‌برانگیز دارد. کشورهای اتحادیه اروپا، نه تنها در مورد ضرورت، بلکه درباره نوع مسئولیت زیست محیطی اختلاف نظر دارند و مسایل مربوط به آن از سیاست‌گذاری‌های مربوط به حوادث بزرگ آلودگی‌های زیست محیطی متأثر می‌شود. درباره مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست محیطی در برخی از کشورهای اتحادیه مانند آلمان، فنلاند، سوئد، دانمارک قوانین خاص وجود دارد و در برخی دیگر مانند فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، هلند، همان قواعد سنتی مسئولیت مدنی برای جبران خسارت‌های مذکور اعمال می‌شود. با توجه به این که خسارت‌های خاص زیست محیطی به استناد قوانین مدنی و مسئولیت مدنی قابل مطالبه نیست، بسیاری از کشورها قوانین خاصی درباره تجاوز به محیط زیست دارند. فرانسه، آمریکا، دانمارک، فنلاند، آلمان، ایتالیا، هلند، اسپانیا، سوئد، انگلستان مثال‌هایی از این گونه کشورها هستند.

همچنین مبنای مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست محیطی در حقوق بیشتر کشورهای اتحادیه، مسئولیت محض است. در حقوق آلمان، سوئد، فرانسه، فنلاند، نروژ و سوئیس، مسئولیت محض در خصوص برخی از آلودگی‌های زیست محیطی پذیرفته شده و در سایر آلودگی‌ها از مسئولیت مبتنی بر تقصیر پیروی می‌شود. به دلیل نقص حقوق داخلی دولت‌های عضو اتحادیه، کمیسیون اروپا در اجرای اصول بنیادین حفاظت از محیط زیست، مبنای دستورالعمل مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی را طراحی کرده است. نخستین اقدام در تبیین نظام مسئولیت مدنی خسارت‌های زیست محیطی در اتحادیه اروپا صدور دستورالعمل ۱۹۸۴ شورای اروپا در خصوص مراقبت و کنترل نقل و انتقال فرامرزی زباله‌های خطرناک در قلمرو اتحادیه اروپاست. سپس کمیسیون اروپا در سال ۱۹۸۹ دستورالعمل پیشنهادی خود را درباره مسئولیت مدنی خسارت‌های ناشی از فاضلاب ارائه کرد. ولی این پیشنهاد در سال ۱۹۹۳ هنگامی که کمیسیون طرح نظام مسئولیت وسیع‌تری را در سر می‌پروراند، بی‌ثمر ماند. با وجود این، در سال ۱۹۹۳ کمیسیون اروپا دیدگاه‌های اساسی خود را در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست محیطی منتشر کرد.^۱ پس از انتشار این سند، پارلمان و کمیته اقتصادی و اجتماعی از کمیسیون خواستند تا در اجرای ماده (۲-۱۹۷) پیمان اروپا دستورالعملی برای مسئولیت مدنی خسارت‌های زیست محیطی ارائه دهد.

اقدامات جدید اتحادیه با امضای کنوانسیون لوگانو^۲ در ارتباط با مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌هایی که از فعالیت‌های خطرناک به محیط زیست وارد می‌شود، مصادف شد. کنوانسیون لوگانو تحت حمایت‌های شورای اروپا تدوین شد. تقریباً همه کشورهای اروپایی در تدوین آن مشارکت داشتند؛ ولی تنها ۹ کشور (قبرس، فنلاند، یونان، ایسلند، ایتالیا، لیختن اشتاین، لوکزامبورگ، هلند و پرتغال) آن را امضاء کردند و در عمل بدون اجرا ماند.

کمیسیون اروپا که مسئولیت تدوین پیش‌نویس «دستورالعمل مسئولیت ناشی از پیشگیری و جبران خسارت زیست محیطی» را بر عهده داشت، در اولین سند خود که در سال ۱۹۹۳ منتشر نمود، هدف اصلی از دستورالعمل را اجرای اصل «آلوده کننده باید بپردازد» دانسته است.^۳ این اصل از اصول راهبردی جامعه اروپا در خصوص حقوق محیط زیست است که در ماده ۱۷۴ (بند دوم) پیمان جامعه اروپا پیش‌بینی شده است. بنابراین، اصل بنیادین دستورالعمل این است که بهره‌بردارانی که فعالیت آن‌ها موجب خسارت زیست محیطی می‌شود، مسئولیت دارند در جهت کاهش خطرات زیست محیطی تلاش نمایند تا کمتر در معرض مسئولیت مالی قرار گیرند. پس این دیدگاه هم «درمان کننده» است و هم «پیشگیرانه».

در دستورالعمل مصوب با تکیه بر ماده ۱۷۵ پیمان اروپا، حمایت حداقلی پیش‌بینی شد و با استناد به ماده ۱۷۶ همان پیمان که به دولت‌ها اجازه می‌دهد اقدامات حمایتی از محیط زیست را تشدید کنند؛ در ماده ۱۶(۱) دستورالعمل مقرر شد که دولت‌های عضو اتحادیه، می‌توانند مقررات پیشگیری و جبران خسارت‌های زیست محیطی را تشدید کنند. دولت‌های عضو اتحادیه ملزم شدند تا سال ۲۰۰۷ دستورالعمل حاضر را وارد قانون ملی خود کنند. در این میان می‌توان به کشور فرانسه اشاره کرد که بر مبنای این دستورالعمل، لایحه موسوم به «قانون مربوط به مسئولیت زیست محیطی»^۴ را در قالب مواد ۱۶۰-۱ الی ۱۶۶-۲ به کتاب اول قانون محیط زیست با عنوان «پیشگیری و جبران پاره‌ای از خسارات وارده به محیط زیست» افزود.^۵

^۱ (European Commission, 1993, p 20)

^۲ (Lugano Convention, 1993)

^۳ (Polluter pays principle)

^۴ (European Commission, 1993, p2)

^۵ Project de loi relative a la responsabilite environnementale, 2007.

^۶ Project de loi relatif a la responsabilite environnementale, 25 mai 2007 , at: <http://www.legifrance.gouv.fr/>

اصول حقوق بین‌المللی محیط زیست در زمینه آلودگی‌های زیست‌محیطی (آلودگی‌های سوختی)

حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری به دلیل جبهه‌بندی‌های مختلف اقتصادی هنوز نتوانسته از یک معاهده بین‌المللی لازم‌الاجرا در زمینه بکارگیری سوخت‌های پاک بهره‌مند شود. مهمترین منبع حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در حال حاضر موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری^۱، آرای قضایی و داوری بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی است. از سوی دیگر، حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوقی است که از وفاق عمومی نسبی برخوردار است و اسناد بین‌المللی مختلفی در این رابطه به تصویب رسیده است. سازمان ملل متحد با تشکیل «کنفرانس تجارت و توسعه»^۲ و تشکیل «برنامه محیط زیست ملل متحد»^۳ به نهادینه کردن این دو شاخه از حقوق بین‌الملل در این سازمان دست زده است. این دو شاخه حقوقی با یکدیگر ناگزیر مناسباتی پیدا کرده‌اند. الزام دولت‌ها به تدوین قوانین حمایت از محیط زیست در فعالیت‌های اقتصادی و الزام سرمایه‌گذاران خارجی به رعایت این قوانین، از منابع مختلف حقوق بین‌الملل قابل استخراج‌اند. رویه قضایی بین‌المللی که منبع مستند و متقنی از قواعد حقوق بین‌الملل است اصولی را در رابطه میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل محیط زیست به دست داده است که به مهمترین آن اشاره می‌شود.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایایی چون گابچیکو-ناگی ماروس^۴، آزمایش هسته‌ای^۵، زمین‌های فسفر در نائورو^۶ و دعاوی اخیر کارخانه کاغذسازی^۷ و سمپاشی هوایی^۸، موضوع محیط زیست و ارتباط آن با دیگر شاخه‌های حقوق بین‌الملل را سنجیده است.^۹ قاضی ویرامانتری^{۱۰} در قضیه آزمایش هسته‌ای بیان نمود که «دیوان در رأس دادگاه‌های بین‌المللی است و لذا در خصوص اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست خصوصاً مواردی که به عنوان میراث مشترک جهانی قلمداد می‌شوند، مسئولیت دارد»^{۱۱}.

دیوان در قضیه کانال کورفو بیان نمود که «تمام کشورها متعهدند که اجازه ندهند از سرزمین‌شان برای نقض حقوق دیگر کشورها بهره‌برداری شود». طبق این اصل، کشورها حق ندارند اجازه سرمایه‌گذاری به پروژه‌هایی را بدهند که به محیط زیست کشورهای ثالث آسیب وارد می‌کند. دیوان در قضیه مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای نیز به این تعهد اشاره دارد در جاییکه بیان می‌کند «این تعهد عمومی که به موجب آن کشورها باید تضمین نمایند که فعالیت‌های تحت صلاحیت و کنترل‌شان به محیط زیست دیگر کشورها یا سایر مناطقی که خارج از صلاحیت ملی آن‌ها قرار دارد لطمه‌ای وارد نمی‌سازد، وارد حقوق بین‌الملل محیط زیست شده است»^{۱۲}. این اصل که در قضیه کارخانه کاغذسازی نیز مورد اشاره قرار گرفت به قاعده «عدم خسارت»^{۱۳} معروف است. تعهد دولت‌ها در حفاظت از منابع طبیعی به تأیید دیوان در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای نیز رسیده است.^{۱۴}

¹ Bilateral Investment Treaties (BITs)

² United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

³ United Nations Environmental Program (UNEP)

⁴ ICJ Rep., The Case Concerning Gabčíkovo-Nagymaros Project, 1997.

⁵ ICJ Rep., The Case Concerning Nuclear Tests, 1973.

⁶ ICJ Rep., The Case Concerning Certain Phosphate Lands in Nauru, 1995.

⁷ ICJ Rep., The Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), 2010.

⁸ ICJ Rep., The Case Concerning Aerial Herbicide Spraying (Ecuador v. Colombia), 2008.

^۹ دیوان همچنین در دو قضیه بارسلونا تراکشن و ال سی (ELSI) مستقیماً با موضوع سرمایه‌گذاری خارجی روبه‌رو بود.

¹⁰ Weeramantry

¹¹ Corfu Channel case, ICJ Reports 1949, p. 22.

¹² ICJ Rep., The Case Concerning Legality of Nuclear Weapons, 1996, p. 241, para. 27

¹³ The No-Harm Rule (sic utere tuo ut alienum non laedas)

¹⁴ ICJ Rep., The Case Concerning Nuclear Tests (New Zealand v. France), 1995, p. 306, para. 64

دیوان بین المللی دادگستری در قضیه رودخانه اروگوئه به ارزیابی عملکرد اروگوئه در قبال فعالیت کارخانه کاغذسازی در کنار رودخانه اروگوئه می‌پردازد و اصولی را در مناسبات میان حقوق سرمایه‌گذاری و حقوق محیط زیست به دست می‌دهد. هرچند دو شرکت سرمایه‌گذار در اروگوئه، شرکت‌های فرعی دو شرکت اسپانیایی و فنلاندی بودند، در اروگوئه به ثبت رسیده بودند و طبق حقوق بین‌الملل، شرکتی اروگوئه‌ای محسوب می‌شدند. لذا هرچند نمی‌توان در این رأی، صحبتی از حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری به میان آورد، اصول طرح شده در خصوص سرمایه‌گذاری داخلی عموماً به استناد رفتار ملی^۱ قابل تعمیم به سرمایه‌گذاری خارجی نیز هست.

یکی از اصولی که دیوان بین‌المللی دادگستری در این رأی به آن اشاره دارد، لزوم انتشار^۲ اطلاعات زیست‌محیطی برای عموم است. باید به تفاوت میان انتشار اطلاعات برای عموم و اطلاع رسانی به دولت تفاوت قائل شد. برخی از اسناد غیرلازم الاجرا مانند اصل ۱۰ اعلامیه ری و در خصوص تجارت و توسعه مورخ ۱۹۹۲ به حق دسترسی عموم به اطلاعات زیست محیطی اشاره دارند^۳، اما اطلاع به دولت، معمولاً در توافقات قراردادی و دوجانبه قید شده است. دیوان در این قضیه میان اطلاع رسانی^۴ به کمیسیون رودخانه اروگوئه^۵ و آگاه‌سازی^۶ دولت طرف معاهده، تفکیک قائل شده است. دیوان، اصل اطلاع رسانی را دنباله اصل پیشگیری می‌داند و شامل طرفی نمی‌داند که اقدامات زیان بخش پروژه اقتصادی فقط در قلمروی آن دولت محقق می‌شود، بلکه لازمه این تعهد، فرامرزی بودن آثار زیست محیطی است. اما آگاه‌سازی زمانی الزامی است که کمیسیون، خطر زیست محیطی را محتمل تشخیص دهد. دیوان تأیید می‌کند که اگر طرف معاهده به آگاه‌سازی اعتراضی نکرد طرف دیگر می‌تواند مجوز فعالیت سرمایه‌گذاری را صادر نماید. این نظر، تقابل میان آزادسازی تجارت و حفاظت از محیط زیست را از دو جهت به نفع سرمایه‌گذاری حل کرده است. اول اینکه سکوت دولت طرف تعهد زیست محیطی را به معنای موافقت تفسیر کرده است و دوم اینکه دیوان به نوعی نمایندگی دولت در حفاظت از محیط زیست محلی را پذیرفته است؛ درحالی‌که ذینفع واقعی حفاظت از محیط زیست، ساکنین آن منطقه هستند. به عبارت دیگر دولت مرکزی می‌تواند با نادیده گرفتن منافع مردم ساکن منطقه ذی‌ربط اجازه فعالیت را به سرمایه‌گذار کشور دیگر بدهد.

یکی از جلوه‌های آشتی میان حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق سرمایه‌گذاری در اصل ارزیابی زیست محیطی^۷ مشاهده می‌شود. از نظر دیوان در این قضیه، اروگوئه ملزم بوده است که برای ارزیابی زیست محیطی پروژه ذی‌ربط وقایع موجود را در اختیار کمیسیون قرار دهد. این وظیفه کمیسیون است که ارزیابی نهایی را انجام دهد. این تعهد از دید دیوان، زمانی برای اروگوئه ایجاد می‌شود که شرکت ذی‌ربط برای اخذ مجوز به نهاد صالح آن دولت مراجعه می‌کند. دیوان اصل ارزیابی زیست محیطی را فی‌نفسه اصلی عرفی اعلام می‌کند که با این شرایطی

¹National Treatment

² Disclose

^۳پیش از این نیز شورای اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۰ دستورالعملی را تحت عنوان آزادی دسترسی به اطلاعات در مسائل زیست محیطی (Directive No. 313 of 1990 on Freedom of Access to Information on the Environment) به تصویب رساند.

⁴ Informing

^۵ کمیسیون اداری رودخانه اروگوئه نهادی مشورتی است که طبق اساسنامه رودخانه اروگوئه ۱۹۷۵ به وجود آمد و طرفین معاهده متعهد شدند که تعهدات ماهوی خود را از طریق اطلاع رسانی به این کمیته اجرا نمایند.

⁶ Notifying

⁷ Environmental Assessment

الزام آور است: احتمال آثار شدیدی برود، این آثار زیست محیطی فرامرزی باشد و مربوط به منابع مشترک باشند. دیوان ارزیابی زیست محیطی را چه قبل از شروع فعالیت اقتصادی و چه پس از آن برای کمیسیون همکاری لازم می‌شمارد^۱. تمام آنچه از رویه قضایی بین‌المللی در این زمینه قابل استفاده است، ممنوعیت خسارت از طریق سرمایه‌گذاری به «محیط زیست و رای مرزهای یک کشور» است و دیوان بین‌المللی دادگستری توانسته در این قضایا به سمت حمایت از «محیط زیست داخلی» در مقابل فعالیت‌های اقتصادی حرکت کند (Ziaei, 2014).

بحث و نتیجه‌گیری

توجه حقوق بین‌الملل محیط زیست به ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در اجرای قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست، موجب گردیده محیط زیست به عنوان بخشی مهم از فرایند توسعه پایدار درآید و تاکید بیشتری بر لزوم هماهنگی «توسعه و محیط زیست» در میان اسناد و بیانیه‌های سازمان ملل متحد شود.

در پایان می‌توان گفت متأسفانه یک حق بشری مستقل نسبت به هوای پاک و محیط زیست سالم، زیاد مورد پذیرش عمومی قرار نگرفته است؛ زیرا وجود یک حق بشری مستقل در مقایسه با یک حق مشتق از سایر حقوق بشر، در مبارزه با آلودگی هوا بسیار مؤثرتر و کاراتر خواهد بود، زیرا همانطور که اشاره شد آلودگی هوا و محیط زیست می‌تواند چندین حق بشری را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو به طور دقیق و کامل در قالب هیچ‌یک از این حقوق قرار نمی‌گیرد. بنابراین در موارد آسیب به محیط زیست، تعهدات دولت مربوطه شامل تعهدات مختلف ناشی از حقوق متعدد مندرج در قواعد حقوق بشر خواهد بود. این موضوع سبب بلا تکلیفی و آشفتگی در تعیین نوع و میزان مسئولیت دولت‌ها و حقوق ذینفعان می‌شود. در ضمن، حقوق بشر موجود برای استفاده در برابر آلودگی هوا و نگرانی‌های زیست محیطی، محدودیت‌های خودشان را دارند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Air pollution, particularly that resulting from the use of polluted fuels, poses a serious threat to both human health and the natural environment. The growing awareness of these consequences has led to an increasing integration of environmental concerns into the framework of international human rights law. Polluted fuels, especially fossil fuels used in transportation, industry, and domestic settings, contribute significantly to air contamination, producing both visible and invisible pollutants. These include primary pollutants like sulfur dioxide and secondary pollutants like smog, which are created through chemical interactions in the atmosphere (Davoodnejad, 2017). This form

درحالیکه در ابتدای رأی، دیوان بر شخصیت حقوقی مستقل کمیسیون تأکید می‌ورزد اما در این قسمت رأی، کمیسیون را خطاب قرار می‌دهد درحالیکه طبق ماده ۹۴^۱ منشور فقط کشورهای عضو متعهد به تبعیت از آرای دیوان هستند.

of environmental degradation has led to the emergence of international discussions and legislative efforts aimed at addressing the transboundary nature of air pollution. Notably, various national legislations and judicial interpretations have begun to frame access to clean air as a basic human right, thus expanding the scope of civil and human rights into environmental domains. The process began with legislative initiatives in countries most affected by pollution and has evolved into a global discourse involving public institutions, environmental organizations, and international courts. The severity of the problem has necessitated the criminalization of environmental harm, emphasizing the inadequacy of civil and administrative legal mechanisms. The evolving legal discourse now demands criminal accountability for environmental degradation as a violation of human rights, especially when such degradation affects the collective rights to life, health, and a clean environment.

Legal definitions of air pollution and environmental damage vary across jurisdictions and documents. At the international level, one of the earliest and most comprehensive definitions is found in the Convention on Long-Range Transboundary Air Pollution, which characterizes air pollution as the direct or indirect introduction of substances into the atmosphere that result in harmful effects on human health, ecosystems, and material property ("[Convention on Long-range Transboundary Air Pollution](#)," 2016). In Iran, the legal definition of air pollution encompasses the presence of pollutants such as solid, liquid, gas, and radioactive emissions in concentrations harmful to humans and other living beings. Iranian jurisprudence has long been aware of the adverse effects of air pollution, as evidenced by early scientific observations from scholars such as Jorjani ([Abbasi & Sudmandi, 2016](#)). From a legal perspective, environmental damage is increasingly being conceptualized not merely as harm to property or individuals, but also as injury to the environment itself. For instance, French legal theorists first coined the term "environmental damage" to describe harm that affects ecosystems, independent of human victims ([Prieur, 1996](#)). This perspective is supported by broader doctrines in civil law that regard environmental pollution as a violation of established human rights norms, including the right to health and life ([Carbonnier, 1978](#)). Legal systems are thus moving toward acknowledging environmental entities as independent subjects of legal protection, with associated rights and remedies.

From the standpoint of international human rights law, the right to a healthy environment, including access to clean air, is increasingly being treated as a fundamental human right. Although this right is not explicitly codified in many international treaties, it is considered an implied component of other recognized rights such as the right to life and the right to health. The Stockholm Declaration was one of the first international instruments to articulate this linkage by asserting that humans are entitled to a quality of life in an environment that permits dignity and well-being. Legal scholars and international bodies have further advanced this concept by incorporating environmental protection into the framework of civil rights and political obligations. In this regard, environmental rights intersect with citizenship rights, transcending the limits of national borders ([Delfrooz, 2002](#)). Two major approaches have been adopted in interpreting the human right to clean air. The first considers it as an independent right derived from international environmental law. However, this view has seen limited adoption due to the absence of binding international treaties explicitly recognizing it. The second and more prevalent view interprets the right to clean air as derivative of other human rights and is often supported by judicial practices and legal commentaries from global organizations such as the United Nations Environmental Programme ([Habibi, 2003](#)). This derivative approach enables courts and legal systems to interpret existing human rights in an environmentally conscious manner, thereby reinforcing legal obligations for environmental preservation.

Remedial measures for environmental damage, particularly air pollution, encompass a wide range of legal mechanisms including restoration, removal of harm sources, financial compensation, and contractual obligations to prevent pollution. Among these, restoration—returning the environment to its previous condition—is widely recognized as the most effective remedy. This principle has been codified in French environmental law, which mandates that efforts must be made to restore affected ecosystems to their original state wherever feasible. When full restoration is not possible, supplementary actions are taken to provide equivalent ecological value. These obligations are enforced through civil, criminal, and administrative sanctions, depending on the nature of the violation. The French Environmental Code explicitly allows civil courts to independently impose restorative obligations, regardless of whether criminal laws prescribe them. In cases where restoration is impractical, financial compensation becomes the preferred method. While monetary damages are commonly used to redress private and public harm, assessing the value of environmental damage poses significant challenges, particularly due to the intangible and collective nature of environmental goods (Turner, 1995). Economists and legal theorists have developed models to estimate such damages, enabling courts to approximate fair compensation. In addition to these remedies, contractual clauses mandating environmental compliance—particularly in Build-Operate-Transfer (BOT) agreements—have become standard practice. These clauses require developers to adhere to environmental norms and compensate for any damages incurred (Shiroudi, 2005).

The issue of liability for environmental damage, especially damage caused by polluted fuels, remains contentious in both civil and international legal contexts. There is ongoing debate as to whether such liability should follow the principles of public or private law. Public law emphasizes collective interests and tends to support strict liability frameworks, wherein fault is presumed based on the nature of the harmful activity. By contrast, civil law often requires proof of negligence or intent. In countries like Germany, Denmark, and Sweden, environmental liability laws operate on a strict liability basis for specific hazardous activities. However, in jurisdictions like France and the UK, traditional civil liability rules still apply, leading to inconsistencies in enforcement and compensation. The European Union has attempted to standardize environmental liability through directives, including the 2004 Environmental Liability Directive, which requires member states to implement minimum standards for prevention and remediation. Nevertheless, differences remain in how countries conceptualize and enforce these liabilities. The legal classification of environmental damage as a violation of collective or individual rights has profound implications for who can seek remedies and how such remedies are determined. While some legal systems acknowledge the environment as a collective public good deserving of protection, others treat it as a private resource whose degradation must be linked to individual harm for legal action to proceed (Katouzian, 2004). The prevailing view in contemporary legal theory, however, is shifting toward recognizing environmental harm as a direct infringement of human security and dignity, thus legitimizing broader legal claims and responsibilities (Flour et al., 2003).

The evolving principles of international environmental law have gradually integrated into international judicial practices, especially through landmark rulings by the International Court of Justice (ICJ). These rulings have underscored the duty of states to prevent transboundary environmental harm and to share relevant environmental information with potentially affected nations. The ICJ's jurisprudence in cases such as Corfu Channel, Nuclear Tests, and Pulp Mills has contributed significantly to the articulation of legal principles like the duty to prevent harm, the obligation to conduct environmental impact assessments, and the necessity of transparency and public participation. In the Pulp Mills case, the ICJ recognized environmental impact assessments

as a binding customary norm when the potential for significant transboundary harm exists. Furthermore, the Court emphasized that environmental protection does not cease at national borders and that states must ensure that activities under their jurisdiction do not cause harm beyond their territory (Ziaei, 2014). Despite these advances, the ICJ has not fully embraced the notion of protecting domestic environments from economic activities sanctioned by the same states. This highlights a significant gap in international environmental governance, where global trade and investment interests often outweigh environmental concerns. Nonetheless, these judicial pronouncements have laid the groundwork for strengthening environmental accountability, both at national and international levels, particularly in the realm of investment law and cross-border industrial activities.

In conclusion, while international legal systems have made progress in incorporating environmental concerns into human rights and civil liability frameworks, challenges remain in fully recognizing and enforcing the right to a clean environment as an independent human right. The derivative approach to environmental rights, although pragmatic, lacks the clarity and enforceability of explicit legal recognition. Furthermore, inconsistencies in national legal frameworks and the absence of binding international treaties contribute to the ambiguity surrounding state obligations and individual entitlements. For legal systems to respond effectively to the environmental threats posed by polluted fuels, a unified and binding international legal regime is needed—one that clearly articulates the human right to a healthy environment and mandates state accountability across borders. Until such a regime is established, legal protections will remain fragmented, and vulnerable populations will continue to bear the brunt of environmental degradation. Efforts to promote sustainable development and environmental justice must therefore continue to focus on strengthening international cooperation, harmonizing legal standards, and empowering affected communities through accessible legal remedies and participatory governance mechanisms.

References

- Abbasi, M., & Sudmandi, A. M. (2016). Human Rights and the Right to Clean Air. *Journal of Bioethics*, 21.
- Ansari, M., & Katouzian, A. (2007). Liability for Environmental Damage. *Journal of Law*, 2.
- Carbonnier, J. (1978). *Les Bien*. PUF.
- Convention on Long-range Transboundary Air Pollution. (2016, 2016-07-01).
- Cory, S., & Annika, N. (2015, 2016-07-01). The Use of Human Rights in the Fight against Air Pollution.
- Davoodnejad, A. (2017). Human Rights and Air Pollution. *IRNA Online Journal*. <http://irna.ir>
- Delfrooz, M. T. (2002). *Citizenship*. Tehran: Kavir Publications.
- Flour, J., Aubert, L., & Jeansavaux, E. (2003). *Les Obligations*. Armand Collin.
- Habibi, M. H. (2003). The Right to a Healthy Environment as a Human Right. *Journal of Law and Political Sciences*, 60, 131-170.
- Katouzian, N. (1999). *Extra-Contractual Obligations, Civil Liability*. Tehran: University of Tehran Press.
- Katouzian, N. (2004). *Foundations of Public Law*. Tehran: Mizan Publications.
- Khoshakhlagh, R., & Hassan Shahi, M. (2002). Estimating the Damages to Shiraz Residents due to Air Pollution. *Journal of Economic Research*, 61.
- Pourhashemi, S. A., & Mousavi, M. S. (2011). International Responsibility of States in Environmental Law. In *Encyclopedia of Law and Politics* (Vol. 15).
- Prieur, M. (1996). *Droit de l'environnement*. Dallotz.
- Shiroudi, A. H. (2005). *Construction, Operation, and Transfer Contracts*. Tehran: University of Tehran and National Iranian Oil Company.
- Turner, R. K. (1995). *Environmental Economics* (Translation by S. Dehqanian et al. ed.). Mashhad: Ferdowsi University Press.
- Ziaei, S. Y. (2014). The Role of Environmental Obligations in International Investment Law. *Journal of Public Law Research*, 15(42).